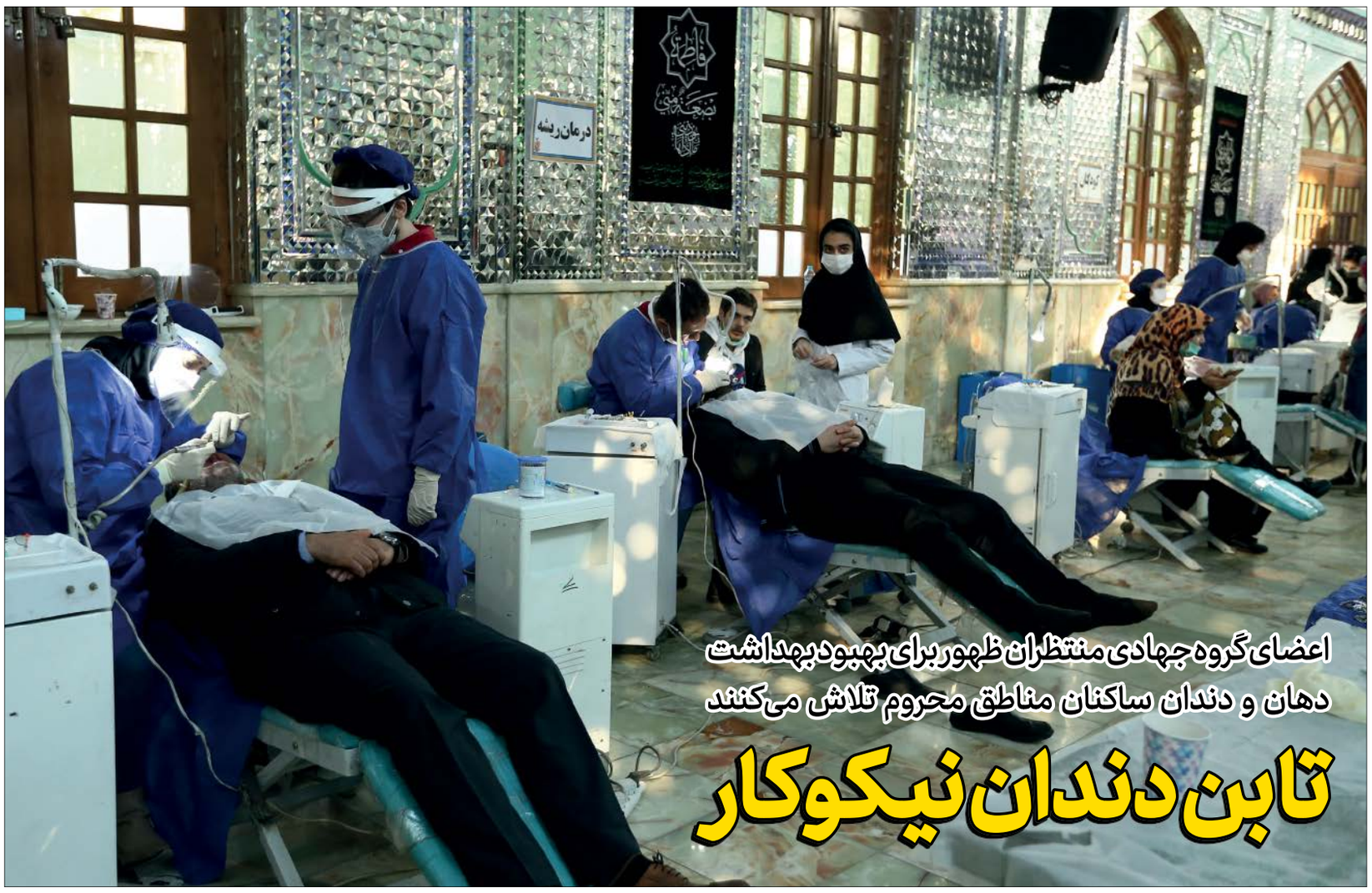

به همت دندانپزشکان جهادگر یکی از شبستان‌های امامزاده حسن تهران، به محلی برای رسیدگی به دندان افراد نیازمند تبدیل شده بود/ عکس: نازنین کاظمی نوا

اعضای گروه جهادی منتظران ظهور برای بهبود بهداشت دهان و دندان ساکنان مناطق محروم تلاش می‌کنند

تا بن دندان نیکوکار

نرگس خانعلی زاده

جامعه

این بار کار از توزیع بسته‌های معیشتی و غذای نذری گذشته است؛ اینجا تخصص، حرف اصلی را می‌زند. این اصلی‌ترین ویژگی گروه جهادی منتظران ظهور است که از حرفه، تخصص و علم‌شان در عرصه پزشکی و دندانپزشکی در بهترین مسیری که ممکن است، استفاده می‌کنند. برای همین است که بخشی از روزهای سال را در روستاهای مرزی و بخش دیگر را حتی کمی آن‌طرف‌تر از مرز و میان مردم محروم عراقی و سوری می‌گذرانند. حالا هم چند روزی را مهمان اهالی باصفای امامزاده حسن(ع) یافت‌آباد تهران بودند و با هر چه بلد بودند و در توان داشتند در روزهای شهادت حضرت زهرا(س)، بیشتر از ۲۰۰۰ بیمار را سالم و سلامت و با دندان‌های ردیف و بدون جرم و عفونت، راهی خانه‌هایشان کردند. اقدامی که البته بدون همکاری و پشتیبانی نیروی زمینی سپاه ممکن نبود ولی حالا به بهترین شکل ممکن محقق شده است. این را بیمارانی می‌گفتند که با دستانی روی گونه‌هایشان روی یونیت‌های دندانپزشکی نشستند اما با حال بهتری از روی آن بلند شدند.

آرامش همیشگی در امامزاده حسن(ع) محله یافت‌آباد تهران برقرار است؛ آن‌قدر که حتی جمعیت منتظر پشت در شبستانی که در این یکی دو روز به درمانگاه و دندانپزشکی تبدیل شده است هم نتوانسته خدشه‌ای به آن وارد کند. روز شهادت حضرت زهرا (س) است و افراد تقریبا زیادی خودشان را به امامزاده رسانده‌اند. احتمالا اول سلام و عرض ادبی به امامزاده حسن(ع) کرده‌اند و بعد هم پشت درهای این دندانپزشکی موقت یکی دو روزه صف کشیده‌اند تا نوبت‌شان بشود و برای تسکین درد دندان‌شان، خودشان را به دست دندانپزشکانی بسپارند که از روز تعطیل‌شان زده‌اند و به صورت رایگان، دندان‌های افراد نیازمند را درمان می‌کنند.

اما دوگانگی عجیبی اینجا حاکم است، آن‌قدر که نمی‌دانیم از استقبال مردم از این طرح و حضورشان در این شبستان که دو روزی هست به دندانپزشکی تغییر کاربری داده ، خوشحال باشیم یا متأسف. احساسی که سرپرست گروه جهادی هم همیشه آن را در طول برنامه‌های مختلف‌شان تجربه می‌کند: «همیشه همین بوده ؛ این‌که از یک طرف خوشحالیم که می‌توانیم به تعداد بالایی از بیمار رسیدگی کنیم و از سوی دیگر این حجم از بیماری‌های دندانی در بین مردم مناطق محروم کشور، واقعا تأسف‌آور است.»

جمع متخصصان جمع است

کارشان را از پارزنده سال پیش شروع کردند. روزهای اول یکی دو نفر بودند اما حالا تعداد اعضای گروه‌شان بیشتر از ۲۰۰ نفر شده است؛ ۲۰۰ نفر متخصص و فوق تخصص که علم‌شان را در طبق اخلاص گذاشته‌اند و قیمتی برایش تعیین نمی‌کنند. این را جلال عادلی، دندانپزشک و سرپرست گروه می‌گوید که از اولین روزهای تشکیل و راه‌اندازی این ایده، همراه و همگام گروه جهادی منتظران ظهور بوده است؛ گروهی که نحوه فعالیت و خدمت‌رسانی‌شان کمی متفاوت‌تر و چشمگیرتر از سایر گروه‌های جهادی است که تا به حال دیده‌ایم: «بیشتر از ۸۰ درصد اعضای گروه ما دندانپزشک و بقیه هم پزشکانی در تخصص‌های دیگر هستند.» پزشکانی که از اولین روزهای فارغ‌التحصیلی‌شان تا حالا که دیگر برای خودشان تجربه‌داری محسوب می‌شوند از هیچ کمک خیری برای کسانی که واقعا نیازمندند، دریغ نکرده‌اند. جریانی که تا همین امروز هم ادامه داشته و در میان این پزشکان و متخصصان، هم جوانان تازه‌نفس دیده می‌شوند و هم کسانی که در راه درمان دندان‌های سفید مردم، مویی سفید کرده‌اند.

ماجرای کشیدن یک عصب

دخترک ده، یازده ساله به نظر می‌رسد. بدون هیچ هیاهویی دست‌هایش را در جیب کاپشن قرمز رنگش گذاشته و به در قهوه‌ای رنگ چشم دوخته است. هوا آن‌قدر سرد نیست که انتظار، کلافه‌اش کرده باشد. عوضش انگار از این‌که قرار است از شر دندان‌دردهای وقت و بی‌وقتش خلاص شود، راضی به نظر می‌رسد و اعتراضی به ایستادن در میان جمعیت منتظر ندارد. جمعیتی که با برگه‌هایی که بعدها می‌فهمیم معرفی‌نامه است، پشت در صف کشیده‌اند و منتظرند یکی از یونیت‌ها خالی شود. اینجا افراد برگه‌های کوچکی در دست دارند که حکم جواز ورود به این شبستان را برایشان دارد؛ برگه‌هایی که توسط برخی سازمان‌های حمایتی مانند کمیته امداد و بهزیستی و... صادر شده‌است و این افراد را در این دو روز مشخص به امامزاده حسن(ع) فرستاده است تا به وضعیت دندان‌هایشان رسیدگی شود. صبرشان قابل تحسین است؛ انگار خیلی عجله‌ای برای داخل شدن ندارند چون می‌دانند بالاخره نوبت‌شان می‌شود: «برای رسیدگی به دندان دخترم آمده‌ام. قبلا ویزیت شده و دکتر گفته به عصب‌کشی نیاز دارد اما خدا را شکر این موقعیت فراهم شده و توانستیم برای این کار به امامزاده بیاییم.» این را مادر همان دختر کاپشن قرمز می‌گوید که به قول خودش از اهالی همین محل است و خیلی راه دور و سختی را برای رسیدن به امامزاده حسن(ع) طی نکرده‌است. اصلا برای همین است که همزمانی حضور این گروه دندانپزشکان جهادی را در امامزاده حسن(ع) و مشکل دندان دخترش را از جانب خدا می‌بیند و خوشحال است همه چیز آن‌قدر قشنگ کنار هم قرار گرفته و دخترش به این واسطه قرار است دیگر درد نکشد: «در دندانپزشکی‌های معمولی، بین یک میلیون و دویست تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای عصب‌کشی قیمت دادند که پرداخت این هزینه، در توان‌مان نبود.» برای همین هم، درمان دندان دخترش را از یکی از مؤسسات خیریه پیگیری می‌کند و نتیجه‌اش می‌شود این‌که امروز اینجاست؛ در امامزاده حسن(ع) و در انتظار برای یک عصب‌کشی کاملا رایگان.

برای رضای خدا

داخل شبستان اما جریان دیگری برقرار است. تا چشم کار می‌کند، سفیدپوشانی را می‌بینید که بین بیست یونیت دندانپزشکی در رفت و آمدند و با کمک همکاران و دستیاران‌شان، مشغول رسیدگی به دندان‌های آسیب‌دیده بیمارانشان هستند. این روز دومی است که این پزشکان از صبح تا شب، بدون وقفه بیمار پذیرش کرده‌اند و دندان‌هایی را که کارشان از یک معاینه ساده گذشته بود، درمان کرده‌اند اما نشانی از خستگی یا نارضایتی در وجودشان دیده نمی‌شود.

صدای آدم‌ها در بین قل‌قل ساکشنی که قرار است آب و مایعات داخل دهان بیمار را تخلیه کند و قیژقیژ اسکیلری که جرم دندان‌ها را از بین می‌برد و دریلی که آنها را می‌تراشد، گم شده‌است. البته در این میان، گاهی صدای گریه کودکی از نقطه‌ای از شبستان بلند می‌شود که می‌تواند بر همه این صداها غلبه کند. کودکی که احتمالا با تزریق سرنگ بی‌حسی در لثه‌اش، طاقتش طاق شده‌است و عطای شجاعت را به لقایش بخشیده و اشک‌هایش جاری می‌شود اما انگار متخصصان جهادی اینجا، علاوه بر تخصص دندانپزشکی، فنون روان‌شناسی و مدارا را هم به‌خوبی بلد هستند؛ شاید برای همین است صدای این گریه‌ها خیلی طولانی نمی‌شود و همه‌چیز خیلی زود ختم بخیر می‌شود. در میان سروصدایی که راه افتاده، خیلی صدا به صدا نمی‌رسد که با دندانپزشکان همکلام شویم که اگر هم برسد، آنها ترجیح می‌دهند از فرصت استفاده کنند و کارشان را به سرانجام برسانند تا فرصت درمان بیشتری برای منتظران پشت در داشته باشند. برای همین نه تمایلی به پایین آوردن ماسک‌شان برای شنیده شدن صدایشان دارند و نه اصراری برای ادامه گفت‌وگو؛ تنها چیزی که در میان سلام و احوالپرسی‌مان با یکی از پزشکان می‌شنویم این است: «ما از این وضعیت راضی هستیم، خدا از ما راضی باشد.» این را می‌گوید و دوباره به جرم‌گیری دندان بیمارش ادامه می‌دهد.

دندانی که اولویت نیست

اما همه‌چیز با یک اطلاعیه یا فراخوان در گروه‌شان شروع می‌شود: «قراره بریم هرمزگان؛ کی می‌تونه با تیم همراه بشه؟» این اولین قدم از اجرای یک چنین برنامه‌ای برای پزشکان گروه است؛ پزشکانی که احتمالا خودشان هزار و یک دغدغه، مراجعه‌کننده، برنامه و همایش و هر آن چیزی که در دایره فعالیت‌های یک پزشک متخصص می‌گنجد دارند اما بالاخره در طول یک سال، چند روزی را برای رسیدگی به بیمارانی متفاوت‌تر در جایی دورتر، خالی می‌کنند: «هر کس بتواند، خودش را به برنامه می‌رساند؛ بالاخره از این تعداد عضو فعال در اقصی نقاط کشور، ۱۰ تا ۲۰ نفر، شاید هم کمی بیشتر و کمتر هستند که خودشان را تحت هر شرایطی به برنامه می‌رسانند.» این را سرپرست گروه می‌گوید که تهران یا سیستان‌وبلوچستان، هیچ فرقی برایشان ندارد. مهم این است که احساس کنند در جایی و نقطه‌ای، مردمی به تخصص آنها نیاز دارند. برای همین خیلی زود خودشان را به آنجا می‌رسانند. اتفاقی که در مدت این ۱۵ سال افتاده است و مردم ۲۲ استان، خاطرات خوشی از حضور این افراد در منطقه‌شان دارند. مناطقی که به قول آقای عادلی، رسیدگی به دندان و مراجعه به دندانپزشکی، جزو آخرین اولویت‌های مردمانش هم نیست: «هم به‌دلیل بالا بودن قیمت خدمات دندانپزشکی و هم به‌دلیل پایین بودن سطح آموزش و آگاهی برای رسیدگی به دندان، در هر برنامه، با مراجعان بالایی روبه‌رو هستیم که گاهی وضعیت سلامت دندان‌شان به اضطرار رسیده است؛ آن‌قدر که می‌تواند سلامت سایر قسمت‌های بدن‌شان را هم به خطر بیندازد.» این را وقتی می‌گوید که از ایده راه‌اندازی چنین جریانی از او می‌پرسیم: «یعنی در حالی که رسیدگی به دندان، از ضروری‌ترین قسمت‌های سلامت یک فرد است اما بسیاری از مردم به‌دلیل نداشتن توانایی مالی، از آن می‌گذرند.» و همین می‌تواند تنها دلیل دوام این فعالیت ۱۵ ساله باشد. به نظر می‌رسد استان‌های مرزی، بیشترین مقصد سفر برای این دندانپزشکان است؛ استان‌هایی که احتمالا دچار کمترین توجه و نگاه هستند: «استان‌های مرزی، حاشیه‌ای و محروم؛ هرجایی که احتمال برخورد با خانواده‌هایی نیازمند باشد را شناسایی و به درمان دندان دعوت‌شان می‌کنیم.» درمان‌هایی که البته محدود به تهران و حتی ایران هم نیست: «خدا می‌داند در جاهایی مانند کربلا و سوریه، چقدر به چنین خدماتی نیاز دارند.» مقصد بعدی‌شان اما روستای مرتضی‌گرد در حاشیه شهر تهران است؛ جایی که قرار است این بار به دندان‌های اتباع و مهاجران افغانستانی که تعداد زیادی از آنها در این روستا ساکن هستند رسیدگی کنند.

یادداشت

محمد دلسوز

رئیس نظام پرستاری رشت

روزنه‌های امید برای پرستاران

پرستاری همیشه شغل با اهمیتی در جامعه بوده است؛ به‌خصوص در دو سال اخیر که تلاش‌های بی‌دریغ کادر درمان بر همگان عیان شد اما لازم است که مطالبات بحق آنها پیگیری و اجرا شود.

اولین و مهم‌ترین خواسته پرستاران درحال حاضر، اجرای ضریب فوق‌العاده خاص است که فرمول آن برای پرستاران کارشناس ۳ و پرستاران با مدرک کارشناسی‌ارشد و دکترا، ۳/۵ و برای مدارک پایین‌تر از کارشناسی، ۲ و ۲/۵ است.

این خواسته در حالی به اولویت پرستاران تبدیل شده است که رئیس‌جمهور دستور رسیدگی به آن را داده و وزیر بهداشت نیز نامه رسمی آن را نوشته ولی با این‌حال به نظر می‌آید که هنوز اجرایی نشده است. البته که جامعه پرستاران همچنان به این توجه خوشبین است و امید دارد که در اولین موقعیت ممکن، این اقدام انجام شود اما تبدیل وضعیت پرستاران، یکی دیگر از مطالبه‌های جدی این افراد است.

درواقع با توجه به تمام زحماتی که پرستاران در طول دروه همه‌گیری کرونا در بیمارستان‌ها متحمل شدند، این درخواست، درخواستی غیرمنطقی نیست که تمایل داشته باشند وضعیتی برایشان به وجود بیاید که پرستاران قراردادی و شرکتی نیز استخدام شوند و از نظر شغلی، آرامش خاطر داشته باشند.

به نظر می‌رسد رسیدگی به درخواست و خواسته‌های بجا و معقول این قشر از جامعه که انصافا فشار زیادی را تحمل می‌کنند، نیازمند یک رسیدگی جدی و فوری است؛ مسائلی که متاسفانه به نظر می‌رسد به دلیل مشکلات بودجه‌ای متوقف شده‌است.

لازم به ذکر است که این اتفاق در حالی افتاده که اعلام شده است هر میزان از کسری بودجه برای اجرایی شدن این درخواست‌ها، شامل تأمین اعتبار می‌شود ولی متاسفانه چیزی که ما تا به امروز شاهد آن هستیم این است که هنوز به این مشکلات رسیدگی نشده است.

افزون بر این یکی از قدیمی‌ترین مطالبات پرستاران و جامعه پرستاری، یعنی نظام تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری است که از سال ۱۳۸۳ کلید خورده است؛ مطالبه مهم این قشر از جامعه که خوشبختانه به نظر می‌رسد به مرحله اجرایی شدن رسیده است؛ دغدغه‌ای که اگر به‌طور کامل برطرف شود می‌تواند راهگشای سایر مشکلات و مطالبات نیز باشد. درواقع این درخواست، یکی از آن سه خواسته پرستاران است که نشانه‌هایی از اجرایی شدن دارد و این روزنه امید را برای دیگر مشکلات باز نگه می‌دارد.

حق با شماست

info@jamejamOnline.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#آلودگی_غفلت

فتاحی از تهران:

امیدوارم توجه به کرونای جدید امیکرون که به تازگی شیوع پیدا کرده، باعث نشود از آلودگی هوا غافل شویم. این در حالی است که استفاده از مازوت برای محیط زیست و مردم کشورمان بسیار خطرناک است.

#بلاتکلیف_مسکن

حسنی از زنجان:

۲۰ سال است در یکی از تعاونی‌های مسکن استان زنجان به نام شرکت فتح یاران، برای دریافت زمین پول واریز کرده‌ام در حالی که مسؤولان مربوط، متقاضیان را در وضعیت بلاتکلیفی قرار داده‌اند. ازمراجع ذی‌صلاح تقاضا دارم به این موضوع رسیدگی کنند.

#سرویس_تردد

یک فرهنگی:

از مسؤولان آموزش و پرورش استان تهران درخواست می‌شود سرویس ایاب ذهاب دبیران شهرستان‌های اطراف تهران خصوصا مسیر تهران ـ رباط کریم را دایر کنند، چراکه واقعا برای خانم‌ها به‌ویژه در ساعات اولیه صبح در فصل زمستان که هوا هم کمی تاریک است، شرایط و مسیر بسیار سخت است.

#نصیرشهر_پزشک

امین از نصیرشهر:

شهر نصیرشهر که جزو شهرستان رباط کریم است، فقط یک ساختمان پزشکان روزانه دارد و ساکنان این شهر برای نیازهای پزشکی ساده باید مسافت زیادی را به شهرهای همجوار طی کنند. از مسؤولان به‌خصوص فرماندار و نماینده مجلس تقاضا دارم به این مشکل رسیدگی کنند.

#خودروساز_قیمت

یک شهروند:

خبر زیان و بدهی چند صد هزار میلیاردی خودروسازان، آن هم با وجود قیمت‌های نجومی خودروهای بی‌کیفیت نشان می‌دهد در این کارخانه‌ها فساد بیداد می‌کند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۷ با عنوان «جولان حیوانات موذی (موش) در شهرک شریعتی» مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر شهرداری شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: این حوزه، حسب وظیفه نظارت عالیه بر عملکرد مناطق و پیمانکاران از طریق مکاتبه رسمی جهت پیگیری و اعزام اکیپ به محل، موضوع بررسی و مقرر شد از طریق پیمانکار منطقه ۱۹ در قالب طرح ویژه اقدام آنی به‌عمل آید.